



این کتاب را از یک حراجی کتاب در اصفهان خریدم. عجیب است که کتابی با این عظمت باید در یک حراجی به فروش برسد! این کتاب، ترجمه ۶ سخنرانی از کارل پوپر فیلسوف، منطق دان، ریاضی دان و اندیشمند اتریشی-انگلیسی و استاد مدرسه اقتصاد لندن است.

در دوره دکتری با تئوری معروف ابطال گرایی او آشنا شدم. تئوری ای مبنی بر این اصل که تئوری های علمی هرچه ابطال پذیرتر باشند علمی تر اند. یعنی هرچه دامنه ی موضوعاتی که یک تئوری پوشش می دهد وسیع تر باشد، احتمال ابطال آن بیشتر است و لذا علمی تر است. بنابر این ابطال تئوری ها راهی برای تقویت آنها و خلق تئوری های جدید تر و قوی تر است.

اما با مطالعه این کتاب، دریافتم که اندیشه های پوپر، بسیار فراتر از این بوده است، اگرچه همه اندیشه های او حول همین محور ابطال گرایی تدوین شده اند.

کتاب یک مقدار سنگین و صعب الفهم است و نمی توان با سرعت از مطالب آن عبور کرد. اما بسیار با ارزش است، چون در مجموع می خواهد ترس ما را از رد شدن ادعاها و افکارمان از ما بگیرد و تعصب و جازمه ی بی مورد بر نظرات دانشمندان را امری زشت و منفی نشان دهد.

در بخشی از این کتاب ام اینگونه آمده است:

«ما حیوانیم. ما انسان ها حیوانیم و حیوان ها نمی توانند دانایی متقن داشته باشند. یونانیان باستان، این را می دانستند و می گفتند: "خدایان، دانایی قطعی دارند و انسان ها تنها عقیده دارند." ارسطو بود که این مفهوم درست و منطقی را معیوب کرد و مدعی شد که ما انسان ها نیز دانایی قطعی داریم و برای اثبات این دانایی، استقرا را ابداع کرد. ما چیزی به عنوان دانایی مطلق و متقن نداریم. ما فقط می توانیم فرض کنیم که می دانیم. آنچه می توانیم به دست آوریم در بهترین حالت ها دانایی فرضی است. ما به طور کلی فقط با فرض ها و فرضیه ها سر و کار داریم. پیوسته می کوشیم این فرضیه ها را با واقعیت روبرو کنیم و بدینسان آنها را اصلاح و به واقعیت نزدیکتر کنیم. آرزوی من این است که دانشمندان و روشنفکران دریابند که تا چه اندازه دانسته های ما اندک است. ماهیچ نمی دانیم. پس باید بسیار فروتن باشیم و داعیه دانستن نداشته باشیم. رفتاری که آرزو دارم شیوع یابد تقریباً اینگونه است اما احتمال بسیار ضعیفی دارد.»